

## هنر در دنیای کودکان



محمد کریمی لویه - کارشناس علوم تربیتی

کودکان در زندگی و در بسیاری از مسائل مربوط به خود ناآگاهانه از محیط طبیعی خویش الهام می‌گیرند یا درصدد تقلید از آن برمی‌آیند، البته آنها با دید و دریافتی دیگر به تمام موجودات چه جاندار و چه بی‌جان می‌نگرند و می‌اندیشند. این موضوع چیزی نیست مگر سادگی توأم با صداقتی که در وجود آنهاست، حتی این صداقت با احساسات بی‌آلایش آنها درهم آمیخته می‌شود و پدیده‌ای به بار می‌آورد که تاثیر آن در چهره و رفتار و حرکات و حتی در خطوط و نقوشی که پدید می‌آورند، کاملاً محسوس است. نقش طبیعت در زندگی هنری کودکان چیزی انکار ناشدنی است. برای مثال کودکان گیلانی از جنگل و طبیعت، تصاویر زیبایی خلق می‌کنند.

علاوه بر این می‌توان گفت اختلالاتی که در فعالیت ترسیمی آنها مشاهده می‌شود، بیان‌کننده اختلالات مختلف عاطفی آنها است و خصوصیات قسمتهای مختلف اشیاء یا اشخاص رسم شده نیز نشان دهنده عقده‌های مختلف روانی آنها است. مثلاً اگر چشم‌هائیش از حد معمول بزرگتر کشیده شود، علامت اضطراب و نگرانی کودک است و اگر قسمتی از بدن بزرگتر از حد معمول باشد، علامت توجه خاص او به این قسمت است.

کودکان استثنایی به طور ناخودآگاه موضوعهایی را انتخاب می‌کنند که با شرایط جسمی آنها مطابقت دارد. به عنوان مثال کودکی که از دویا فلج است در نقاشی‌هایش اسبهایی را به تصویر می‌کشد که در حال دویدن هستند.

در نقاشی کودکان تکنیک دارای یک قاعده خاص مشخص تئوری نیست و قوانینی از قبیل ترکیب‌بندی (کمپوزسیون)، تناسب نوع رنگ‌آمیزی یا درست و نادرست بودن پرسپکتیو (دوری و نزدیکی) وجود ندارد؛ زیرا این مسائل در نقاشی آنها مطرح نیست و باید آنها را در آنچه نقاشی می‌کنند از این نظر کاملاً آزاد گذاشت. زیرا تکنیک ترکیب‌بندی، پرسپکتیوو... در نقاشی کودکان ناخودآگاه ظهور می‌کند و اگر یکی از این کیفیات بصری در نقاشی کودکان پیدا شد، نمی‌توان او را همیشه در چارچوب این قوانین قرار داد؛ زیرا در نقاشی کودکان، شکل‌ها بسیار ساده و در عین حال مشخص است و کودکان درصدد مشکل کردن کار خود برنمی‌آیند.

اما از طرف دیگر باید کودکان را با حواسی مختلف (لامسه، بویایی، چشایی، بینایی و شنوایی) آشنا و آنها را به راهی هدایت کرد که در نقاشی‌های خود علاوه بر اینکه تفکرات و تخیلات و عواطف خود را بیان می‌کنند از طبیعت و زیبایی‌های ناشناخته آن هم الهام بگیرند.

در هر مرحله سنی، نقاشی طفل معنای خاصی دارد. مراحل سنی به شرح زیر است:

- ۱- دوران قبل سه سالگی
- ۲- دوران سه تا پنج سالگی
- ۳- دوران پنج تا هشت سالگی

۴. دوران هشت سالگی به بعد

در مرحله اول، طفل قصد نشان دادن چیزی را به وسیله آنچه که می‌کشد، دارد و فقط نقاشی برای او یک نوع بازی است؛ ولی با وجود این کودک یک روز متوجه می‌شود آنچه کشیده است می‌تواند نشان دهنده یک شئی حقیقی و دارای معنا باشد، اما معنایی که برای نقاشی خود قائل می‌شود باز هم جنبه بازی دارد و آنچه را که رسم کرده است آزادانه تغییر می‌دهد، به تدریج خطوطی را که می‌کشد مشکل می‌شوند.

مثلاً یک دایره را گریه می‌نامد و ناگهان خطی به عنوان دم اضافه می‌کند و در اینجا است که اولین روابط بین تصاویر ذهنی و تصویر حقیقی آن به وجود می‌آید در حدود سن سه سالگی کودک قبل از کشیدن شکل، قصد خود را اظهار می‌دارد.

در مرحله دوم، کودک هنوز نمی‌تواند خطوطی را که می‌کشد کنترل کند و اشکالات ترسیم یک شئی به قدری زیاد است که شئی رسم شده با مدل اصلی تفاوت فوق‌العاده دارد. به علاوه در این سن کودک نمی‌تواند مدت مدیدی وقتش را برای نشان دادن یک شئی متمرکز کند، همچنین امکان ترکیب عناصر مختلف شکل در این مرحله وجود ندارد یعنی کودک نمی‌تواند بین عناصر مختلف رابطه برقرار کند و نسبت و جهت قسمتهای شئی را رعایت کند.

در مرحله سوم (دوران ۵ تا ۸ سالگی)، کودک عناصر مختلف را ترکیب می‌کند ولی شئی با تمام مشخصاتی که کودک از آن برداشت کرده است کشیده می‌شود نه مشخصات واقعی‌اش. یکی دیگر از مشخصات ترسیم کودکان در این مرحله این است که شئی با مشخصه‌های خود کودک کشیده می‌شود و به این ترتیب امکان ندارد آن را با شئی دیگری اشتباه کند.

شفافیت نیز یکی دیگر از مشخصات این مرحله است. مثلاً اتاق و وسایل آن را از ماوراء دیوار می‌کشد و این طریقه ترسیم، نتیجه احتیاج کودک به نگاهداری تمامی مشخصات شئی است.

مرحله چهارم در حدود هشت تا نه سالگی ظاهر و با کشف دورنما آغاز می‌شود. دو علامت مشخص در این مرحله وجود دارد:

۱- از بین رفتن شفافیت

۲- ظهور حرکت

در اثر تجربه و بالا رفتن سن کودکان هرچه به دوران بلوغ نزدیکتر می‌شوند، احساسات کودکان آنها کاهش می‌یابد و منطق جای احساس را می‌گیرد.

از این رو نباید معیارها، ارزشها و خواستههای خود را که حاصل شناخت و نگرش ما به جهان است به کودکان تحمیل کنیم. توجه به رشد کودک به عنوان پایه‌ای زیستی - روانی برای انجام فعالیتهای هنری اهمیت اساسی دارد. رشد هنری کودک در ارتباط تنگاتنگ با رشد جسمی، ذهنی، روانی و عاطفی اوست. در هر مرحله از رشد باید کار هنری مناسب با آن مرحله را انتظار داشت. این مراحل در هریک از زمینه‌های هنری متفاوت است.

توجه به رشد کودک به این معنا نیست که با حالت انفعالی در انتظار رشد او بنشینیم. باید محیطی مناسب برای او ایجاد کنیم تا آزادانه به تجربه و عمل بپردازد و توانایی‌های او را هرچه بارورتر بسازد.

شیوه‌های اجرای آموزش و ارزشیابی هنر در آموزش به شرح زیر است:

(الف) شیوه بیان آزاد: در این شیوه، آزاد گذاشتن کودکان در انتخاب موضوع (در ابتدای کار) مورد نظر است. از موضوع‌های تحمیلی که باعث آشفتگی و انهدام عنصر الهام در کودک می‌شود، خودداری کنید.

(ب) شیوه نمایش اسلاید یا فیلم: در این شیوه پس از نمایش، از کودک خواسته می‌شود که برداشتهای خود را از فیلم یا اسلاید به وسیله نقاشی بیان کند.

(ج) شیوه دادن موضوع: در این شیوه یک موضوع واحد به کودکان داده می‌شود و هر کودک در نقاشی‌اش، تخیلات خود را از زندگی محیطش مطرح می‌کند. مثل: درخت

(د) شیوه خواندن قصه و داستان: در این شیوه از کودکان خواسته می‌شود که داستان گفته شده را به تصویر بکشند.

(ه) شیوه انتخاب موضوع با توجه به شرایط پیش‌بینی نشده، مثلاً بارش برف.

(و) شیوه نقاشی گروهی: در فعالیت‌های گروهی، عوامل محرک تخیلات متقابل که تشکیل و تولید افکار جدید را می‌سازد، وجود دارد، افکار جدید در میان کودکان راحت‌تر مبادله می‌شود و کودکان از این کار بسیار لذت می‌برند.

## ارزشیابی

هدف از ارزشیابی، کمک به همه مراحل تعلیم و تربیت در خلال آموزش فعالیت‌های هنری است.

معیارهای کلی ارزشیابی به شرح زیر است:

- ۱- ارزشیابی باید استمرار داشته باشد.
  - ۲- معیار ارزشیابی بر اساس نیازهای کودک باشد.
  - ۳- معیار ارزشیابی بر اساس خصوصیات فردی و اجتماعی کودک بنا نهاده شده باشد.
- در ارزشیابی نباید برای نمره دادن زیبایی تصویر را در نظر گرفت، بلکه باید با پیشنهادات مفید کودکان را امیدوار و تشویق کرد. همچنین نباید در نقاشی کودکان واقعیت را معیار سنجش و ارزشیابی قرار داد.
- ارزشیابی باید بعد از یک دوره انجام شود تا بتوان حرکت و پیشرفت را به طور روشن مشاهده کرد. برای این کار بهتر است که هر ثلث یک بار ارزشیابی شود نه هر روز، زیرا اگر در پایان جلسه نمره داده شود، توجه کودکان از خود نقاشی به نمره معطوف خواهد شد و کودکان سعی می‌کنند مانند کسانی که نمره خوبی گرفته‌اند نقاشی کنند و موضوعات یا رنگ‌هایی را به کار می‌برند که احساس می‌کنند تا با به کار بردن آن، مورد تایید و تشویق مربی قرار خواهند گرفت.

## تشویق

برای این که امر تشویق با اصول تربیتی همگام باشد، رعایت نکات زیر درخور اهمیت است:

- ۱- باید آثار خوب کودکان را تحسین کرد تا باعث پیشرفت هنری آنها شود.
  - ۲- تشویق به گونه‌ای باشد که از تایید درونی کودک نیز برخوردار شود، به طوری که او خود را واقعاً مستحق آن بداند، نه وسیله‌ای برای دلخوش کردن لحظه‌ای. زیرا در غیر این صورت نه تنها لذتی از آن نخواهد برد، بلکه از یک سو دچار نگرانی و از سوی دیگر نسبت به داوری مربیان بدبین خواهد شد.
  - ۳- علت تشویق باید روشن باشد.
  - ۴- در هنگام تشویق و تحسین کودکان را نباید با یکدیگر مقایسه کرد؛ زیرا با این کار کودک احساس حقارت می‌کند.
  - ۵- تشویق و تحسین باید گاه به گاه و در برابر آثار ممتاز باشد نه به صورت دائم و برای هر اثر، زیرا در این صورت تشویق اثر خود را از دست می‌دهد.
  - ۶- تشویق و تحسین در حضور جمع اثر بیشتری دارد.
  - ۷- برای اینکه کودک از عهده کارهای دشوار برآید لازم است آنها را به کارهای ساده‌ای که قادر به انجام آن است موظف سازیم و پس از موفقیت او را تشویق کنیم تا بدین وسیله در او شوقی نسبت به کارهای سخت‌تر به وجود آید.
  - ۸- تشویق و تحسین نباید از حد تجاوز کند. زیرا ممکن است کودک را به غرور و خودبینی مبتلا سازد تشویق باید متناسب با میزان فعالیت کودک باشد تا همیشه جای خالی برای تقدیر از فعالیت‌های مهم‌تر او وجود داشته باشد.
  - ۹- تشویق وسیله است و نباید به صورت هدف درآید. اگر عامل تشویق از لحاظ شدت تاثیر در کودکان در سطحی قرار گیرد که تمام فکر کودکان را تسخیر کند به صورت هدف درمی‌آید و از صورت ابزار خارج می‌شود، در نتیجه اثر مطلوب آن از میان می‌رود.
- در نقاشی کودکان نکات زیر قابل توجه و تذکر است:
- به طور مستقل کار کنند.
- در صورت امکان کارشان را به پایان برسانند.
- از قدرت خود استفاده کنند.
- درباره کارهای خود صحبت کنند.
- نام خود را در اندازه و جای مناسب بنویسند.
- کادر، دور نقاشی خود نکشند؛ بلکه تمام صفحه به عنوان کادر فرض و نقاشی شود.
- روی کاغذ خط‌دار نقاشی نکنند.
- اگر کاغذ را از دفتر جدا می‌کنند، کناره آن صاف باشد.

اگر ماژیک به کار می‌برند از کاغذهایی که زیاد رنگ را به خودش نمی‌گیرد، استفاده کنند. در نقاشی از یک وسیله برای رنگ‌آمیزی استفاده کنند.

از خط‌کش استفاده نکنند و با دست نقاشی بکشند.

نقاشی‌های خود را در پوشه با ذکر تاریخ نگهداری کنند.

وظایف یک مربی در ساعت هنر به شرح زیر است:

از وسایل کمک‌آموزشی استفاده کند.

هیچ وقت به کار کودکان دست نزند.

به هیچ عنوان عقیده خود را به کودکان تحمیل نکند.

هرگز از نتیجه کار آنها انتقاد نکند.

اظهارنظر در کارهای کودکان همراه با تشویق باشد.

آثار خوب کودکان را به نمایش بگذارد.

نحوه صحیح استفاده از وسایل و راه‌های نگهداری از آنها را به کودکان آموزش دهد. مربی نباید الگو در اختیار کودک قرار دهد، زیرا در این صورت هیچگونه فعالیت فکری نمی‌کند و باعث می‌شود کودک تقلیدگر بار بیاید بهتر است که کتابهای رنگ‌آمیزی هم در اختیار کودکان قرار ندهد، زیرا این مدلها بیشتر کودکان را سرگرم می‌کند و جنبه هنری و آموزشی ندارد و اراده کودک تابع مدل می‌شود و دیگر خلاقیتی از خود نشان نمی‌دهد. کشیدن نقاشی روی تخته سیاه روش بسیار غلطی است.

منبع: روزنامه اطلاعات